

## اصول پایه ای در مورد برابری و آزادی زنان ایران

ما اصول زیر را بعنوان اصول حداقل سازمانها و احزاب چپ ایران در مورد مساله زنان اعلام می کنیم. همانطور که چپ با خواست و آرمان برقراری عدالت اجتماعی مشخص می شود در زمینه مساله زنان نیز با خواست آزادی و برابری زنان که بخشا در اصول زیر منعکس است مشخص می شود. سازمانها و احزاب چپ ایران تلاش میکنند که اصول زیر بعنوان اصول دموکراتیک پایه ای در میان توده های مردم فراگیر شود و توسط جامعه برسمیت شناخته شود.

۱- هشت مارس مصادف با ۱۷ اسفند روز مبارزه برای آزادی و برابری زنان در سراسر جهان است. این روز را باید در سراسر ایران برگزار کرد و اهمیت تاریخی و جهانی آنرا به آگاهی عموم مردم تبدیل کرد. یکی از مشخصه های زن ستیزی رژیم شاه و جمهوری اسلامی تلاش عبث آنها برای جایگزینی هشت مارس با روز هائی است که سمبل زن فرودست و مطیع است. و نه زن آزاد و برابر.

۲- در ایران بزرگترین منبع ستم بر زن و بزرگترین مردسالار دولت حاکم است. در جمهوری اسلامی ستم بر زن در بالاترین رده های دولت طرح ریزی می شود و به اجرا در می آید. قانون اساسی، جزائی و مدنی ایران علیه زنان و ناقض حقوق برابر زن و مرد است. استفاده از شریعت یکی از مهمترین اهرمهای رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب زنان است. مجموعه اینها شرایط بی حقوقی و غیر انسانی را بر زنان تحمیل می کنند. این قوانین باید فوراً ملغی شوند. جدائی دین از دولت و مشخصاً قطع فوری بکارست احکام قرآن و فقه در مورد زنان جزو اولیه ترین شرایط آزادی و برابری زنان است. گشتی ها و ارگانهای انتظامی مخصوص زنان باید منحل گردند و آزار زنان در مجامع عمومی سیاسی توسط لباس شخصی ها متوقف شود. ما زنان و جوانان رابه مقابله با این قوانین ستمگرانه و نیروهای سرکوبگر فرا می خوانیم و این مقاومت را بخشی از مبارزه سیاسی عمومی مردم ایران می دانیم.

۳- زنان فقط با دستگاه حاکمه روبرو نیستند. بلکه نظام پاتریارکی حاکم، مردان را به استیلا جوئی بر زنان تشویق و وادار می کند. این روابط که مردان را بر زنان مسلط می کند به ضرر اکثریت مردان جامعه است زیرا کلیت نظام استثمار و ستم طبقاتی را نیز تقویت می کند. افزایش خشونت مردان علیه زنان در خانواده، از اشکال به ظاهر بی ضرر مانند محدود کردن زنان و دختران، تا اشکال آشکارا خشن مانند ضرب و شتم و به قتل رساندن، نتیجه تقویت روابط پاتریارکی است. گسترش خودکشی و خودسوزی در میان زنان و دختران جوان یک عکس العمل در مقابل فضای خفقان آوری است که روابط مردسالاری و پاتریارکی برای زنان ایجاد کرده است. ما سلطه جوئی مردان بر زنان را محکوم کرده و مردسالاری را یکی از برجسته ترین موانع رشد و پیشرفت دموکراسی در جامعه می دانیم. به این جهت، طغیان زنان علیه مردان سلطه گر و علیه روابط پاتریارکی را عادلانه دانسته و از آن حمایت می کنیم.

۴- ما تمام باورهای سنتی مبنی بر ناتوان و فرودست بودن زنان و لزوم تبعیت زن از مرد را باطل اعلام کرده و مبارزه برای پاک کردن اذهان جامعه از این باورها را وظیفه همه می دانیم. ما تمام معیارهای اخلاقی سنتی و مذهبی غالب در جامعه را که بر پایه آن زنان را به "خوب" و "بد" تقسیم می کنند رد می کنیم. ما توده های مردم را فرا می خوانیم که این باورهای سنتی و معیارهای اخلاقی کهنه که زنان را فرسوده کرده، استعدادهای

خلاقیت‌های آنان را کشته است، کنار زنند و آفریننده و مروج معیارهای نوین در روابط میان زن و مرد باشند. عامل تعیین کننده در رابطه با خلق معیارهای نوین، رعایت اصل آزادی زنان و برابری میان زن و مرد است.

۵- ما جوانان دختر و پسر را فرا می خوانیم که متحدا علیه افکار و مناسبات مردسالاری بپا خیزند و در زمینه روابط میان زن و مرد استانداردهای نوین بوجود آورند: استانداردهائی که تبلور روابط برابر میان زن و مرد در همه زمینه ها، از محیط خانواده، کار و تحصیل تا روابط عاطفی است.

۶- ما معلمین کشور را فرا می خوانیم از آموزش متونی که ناقض اصل برابری زن و مرد است خودداری کنند. و بجای معیارها و باورهای سنتی و مذهبی در باره زنان، معیارها و باورهای نوین که مبشر برابری و آزادی زنان و کل بشریت است در میان کودکان و نوجوانان آموزش دهند.

۷- فقر اقتصادی بیش از همه از میان زنان قربانی می گیرد. جمهوری اسلامی با اجرای دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بیش از نیمی از مردم کشور را به زیر سطح فقر رانده است. در شرایطی که زنان از اغلب فرصتهای شغلی بدلیل زن بودن محرومند، این وضعیت دهشتناک بسیاری را به سوی تن فروشی بعنوان تنها منبع کسب معاش می راند. زنان کارگر اولین کسانی هستند که در معرض اخراج و حذف مزایا قرار می گیرند. طرح جنایتکارانه خارج کردن کارگاه های کوچک از شمول قانون کار در واقع زنان کارگر را هدف گرفته است زیرا اکثریت کارگران صنایع کوچک زنان هستند. گسترش بیسابقه فقر و فحشا فریادی است که به اضطرار برقراری عدالت اجتماعی و توزیع ثروتها و امکانات اجتماعی را طلب می کند. امری که فقط با سرنگون شدن جمهوری اسلامی و آن اقلیتی که به بهای فقر اکثریت مردم ثروتهای افسانه ای گرد آورده اند، امکان پذیر است.

۸- ما معتقدیم که ایجاد تشکلات مستقل زنان برای پیشبرد مبارزه برای آزادی و برابری زنان یک ضرورت حیاتی است. این تشکلات نقش بسزائی در بالا بردن آگاهی زنان و کل جامعه نسبت به بی حقوقی زنان و لزوم مبارزه علیه این بی حقوقی داشته و خواهند داشت. مرزبندی با رژیم جمهوری اسلامی و سازمانهای زنان وابسته به آن، استقلال از پس مانده های رژیم شاه و سازمانهای زنان وابسته به آن و مرزبندی با امپریالیسم آمریکا که رئیس جمهور آن مدعی "آزاد کردن زنان ایران" است، برای تشکلات مستقل جزو واجبات است زیرا اینها نه تنها ضد مردمی اند بلکه تا مغز استخوان زن ستیز می باشند.

۹- به اعتقاد ما توجه مشخص به موقعیت زنان ملل تحت ستم ایران مانند کرد و عرب و بلوچ و آذری و ترکمن و زنان مهاجر افغانستانی از سوی تشکلات زنان بسیار مهم است. زیرا به زنان این ملل ستم جنسیتی شدیدتری وارد می شود. بیداری ملی، که در نتیجه ستم ملی در این ملل رشد می کند، تاثیر متناقض بر زنان دارد. از یکسو آنان را به عرصه مبارزه سیاسی می کشد و از سوی دیگر ایدئولوژی ملی گرائی غل و زنجیرهای پدرسالاری را بر گرده زنان محکمتر می کند.

۱۰- ستم بر زنان از سنگ بناهای نظام ستم و استثمار در ایران است. به همین جهت کلیه جنبشهای اجتماعی در مبارزه زنان برای آزادی و برابری ذینفع می باشند. ما جنبشهای اجتماعی دموکراتیک و حق طلبانه مردم ایران اعم از جنبش دانشجویی، کارگری، معلمان وغیره را فرا میخوانیم که از شعار آزادی و برابری زنان که در جنبش دانشجویی امسال توسط دختران به اهتزاز درآمد حمایت کنند و آنرا در میان خواستها و مطالبات خود بگنجانند. همچنین از خواستها و حقوق اولیه زنان مانند لغو حجاب اجباری، لغو سنگسار و بطور کلی مجازات اعدام، حقوق

برابر در زمینه ازدواج، طلاق، مالکیت، وراثت، سرپرستی فرزندان، اشتغال، تحصیل، سفر، حق سقط جنین، آزادی معاشرت دختران و پسران در اماکن عمومی و غیره بدون قید و شرط حمایت کنند.

۱۱- طغیان زنان در واقع ضربات محکمی بر ارکان روابط سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری می زند. ما فعالین جنبش کارگری را فرا میخوانیم که با تبلیغ و ترویج در مورد اهمیت حیاتی مساله زنان، آنها به مساله و موضوع آگاهی طبقاتی کارگران و مبارزه آنان تبدیل کنند. مبارزه کارگران برای حقوق برابر میان زن و مرد کارگر از شروط ایجاد اتحاد در میان کارگران است. برگزاری مراسم هشت مارس در کارخانه ها یک پیروزی برای طبقه کارگر است. شرکت توده های کارگر در گردهمایی ها و مبارزاتی که خارج از محیط کارخانه و محله در رابطه با گرامیداشت هشت مارس برگزار می شود، نشانه یک جهش در آگاهی طبقاتی آنان است. کارگران باید نشان دهند که از مبارزه زنان علیه مردسالاری و برای دستیابی به آزادی و برابری استقبال و حمایت می کنند و آنها بخشی از مبارزه خودشان می دانند. در میان کارگران باید استانداردهای نوین برای روابط میان زن و مرد که مبتنی بر برابری و احترام باشد بوجود آید. یک کارگر سوسیالیست و حتا دموکرات فراموش نمی کند که در پیشبرد، تسریع و حل هر مساله مربوط به اقشار و طبقات تحت ستم فعال باشد.

۱۲- رژیم جمهوری اسلامی از روز اول چنگ انداختن بر قدرت، به زنان اعلام جنگ داد. اگر این رژیم مرتکب هیچ جنایت دیگری غیر از برده کردن زنان نشده بود بازهم سزاوار سرنگونی بود. اما زنان در مقابل این بیدادگریها ساکت نشستند و بهر ترتیب که توانستند مقاومت و اعتراض کرده و به یک نیروی اجتماعی معترض بسیار مهم تبدیل شدند. نیروئی که علیرغم سازمان یافته نبودن دوست و دشمن مجبورند آنها برسمیت بشناسند. از یکسو، افراد و جریانات ترقی خواه و عدالت جو به این نیروی اجتماعی مقاوم و معترض به دیده تحسین و امید می نگرند. و از سوی دیگر، مرتجعین حکومتی از آن هراسناکند و برای جلب نظرش مجبورند ادعا کنند که برای حقوق زنان تلاش می کنند. ما از هر جنبه از شورش و طغیان زنان علیه وضع موجود و مبارزه آنان برای کسب آزادی و برابری حمایت می کنیم و برای هر چه عمیق تر و گسترده تر شدن آن تلاش می کنیم و اعلام می کنیم که مبارزه علیه هر گونه نابرابری میان زن و مرد و با هدف ریشه کن کردن آن از اصول اولیه مبارزه سوسیالیستی است.